

اذان صبح	۰۵:۰۷
طلوع آفتاب	۰۶:۲۹
اذان ظهر	۱۲:۵۹
اذان مغرب	۱۹:۴۷



انگاره نه‌لنگا



فیلم‌های ساخته و اکران شده سینمای ایران، در ژانرهای مختلف به ویژه ژانرهای اجتماعی و کم‌دی در سالهای اخیر بازتاب وضیعت و حاصل واقعیت روزمره جامعه ایران و به تبع آن حال و روز نگران کننده سینمای ایران در یک نما و نگاه کلی است.

اگر این فیلم‌ها اغلب محققانه کارند و یا خنتی و یا برخی به ظاهر جسورند، اگر سرشارند از ایده‌هاوایده آل‌های نو، و یا ایده‌های دسته چندم قبلا پاسخ گرفته را باز تولید چند باره می‌کنند؛ اگر برخی خلاقانه و بعضی ناامیدکننده اند و تعداد اندکی به لحاظ گیشه فروش بالایی داشته‌اند.

از هیچ‌کدام نمی‌توان نتیجه‌گیری کلی کرد، نمی‌شود برای فروش یکی دو فیلم به به و چهچه سرداد و یا برای نسل جدید و یا قدیم سینماگران ایران سر به تاسف تکان داد. واقعیت این است که سینمای ایران به غیر از چند جرقه سینمای هنری و تجاری در مقاطعی سالهای پر رونق و روشنی نداشته است، دلیل اصلی هم این بوده که در تولید و پیش تولید و سرمایه‌گذاری، مجوز و پروانه ساخت و اکران مشکلات اساسی داشته است.

مدیران سینمایی و اهالی ساختار کلی سینمای ایران هم سر در گم مانده‌اند. بی‌اعتباری پروانه‌های ساخت و نمایش واکران عمومی وضیعت نگران کننده‌ای دارد. متهم کردن سینما گران و مدیران و نق‌زن طی این سالها مشکلی را که حل نکرده است؛ بلکه گره کوری میان رابطه همه عوامل تولید و ساخت، پخش و اکران و نمایش و مدیران فرهنگی و سینمایی انداخته است. موضوع عدم مجوز اکران عمومی و توقیف آثار سینمایی بعد از ساخت و تولید و پابین آوردن فیلم‌های مجوز اکران عمومی گرفته و درحال نمایش از روی پرده از مسائل و مشکلات مهمی از مشکلات بسیار سینمای ایران است.

در هفته و روزهای گذشته در انبوه خبرهای ناگوار و غم‌انگیز مربوط به سیل و هجوم کلونی ملخ‌ها در اقصی نقاط کشورمان در صدر خبرهای هنری، سینمایی، اجتماعی و سیاسی بسیاری از مطبوعات، رادیو و تلویزیون‌های داخلی و ماهواره‌ای و سایت‌های خبری داخلی و خارجی با خط مشی‌های سیاسی و فرهنگی با نیت و اهداف خیر و شر در مورد توقیف برخی از فیلم‌های روی اکران (رحمان) ۴۰۰مقرر شـیرین) که یکی روی اکران نمایش بود و هم بسیار فروش خوبی داشت و بیشتر هم می‌فروخت و دیگری که هنوز خبری از نمایش و اکران آن نبوده است به صورت گسترده نشر شده و می‌شود.

خبرهایی تعجب برانگیز برای همگان به ویژه سینما دوستان، خبرهای ناخوشایند ضد ارزش فرهنگی که از ابعاد مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، البته نیت نگارنده از پرداختن به این مقوله اشاره به خوب بودن و یا بدی کیفیت و یا عدم کیفیت و حمایت از آثار بعضا توفیقی و لنو مجوز اکران شده نبوده است؛ بلکه نیت تحلیلی موضوعی چنین رویکرد غیر فرهنگی و سینمایی و اشاره به اثرات منفی آن بر روی کل ساختار فرهنگی و اجتماعی

روزنامه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مد‌یر مسئول: محمد علی

سر‌دبیر: اسماعیل علی

ISSN: 1557 - 2008

رتبه: ۴۳

لینوگرافی و چاپ: روزنامه عصر مردم - ۳۳۵۹۶۱۰

تلفن سرپرستی‌های عصر مردم در:

اصفهان: ۰۹۱۳۹۱۷۷۷۷۰۰ه‌اشمعی

کرامشاه: ۰۹۱۸۱۳۱۱۴۹۸-کبودی

پوشهر: ۰۹۱۷۷۷۳۶۰۵-رستمی

امروز

۱۱

۲۶

افزایش ابر همراه با وزش باد با احتمال دگبار باران

رییس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران:

استاد – معلم واژه‌ی مناسبی برای «دکتر علی سلطانی گردفرامری» است



است و استاد سلطانی از معدود استادی است که در این تخصص تبحر دارد. وی به پژوهش‌های متنوع دکتر سلطانی در حوزه‌های مختلف از قرآن پژوهی تا عرفان و شاهنامه و حتی شعر معاصر را یادآور شد و آن را قابل احترام و محسوس خواند.

دکتر هادی از استاد سلطانی به عنوان یک هنرمند خطاط و یک شاعر با اشعاری پخته یاد کرد و گفت: مسئولیت پذیری ایشان در تمام سالهای زندگی باعث شد تا وی از هیچ مسئولیتی از مسئولیت‌های خانوادگی تا آموزشی، پژوهشی و اجتماعی رو گردان نباشد.

وی ارتباطات اجتماعی را از دیگر ویژگی‌های دکتر سلطانی ذکر کرد و افزود: او در کنار تمام ویژگی‌هایش پدر و همسری شریف بوده است و همه این ویژگی‌ها باعث شده تا او را یک استاد معلم بخوانیم.

وی تأکید کرد: جامعه آموزشی و دانشگاهی امروز ما نیازمند چنین الگوهای است تا بتوانند انسانهایی به این شکل را تربیت کنند.

«مجدد جوادیان زاده» مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد نیز در این مراسم با اشاره به نحوه آشنایی خود با دکتر سلطانی از طریق کتب آیین نگارش فارسی به ویژگی‌هایش که باید کم‌گویند و گزیده اشاره کرد و گفت: این ویژگی که در قالب ادب یک هنر محسوب می‌شود از شاخصه‌های دکتر سلطانی در نگارش کتب زبان و ادبیات فارسی بوده است. وی با تأکید بر برگزاری چنین مراسمی برای شکل دادن هویت و معرفی سرمایه‌های استان، اظهار کرد: شهر بزرگ، شهری است که انسان‌های بزرگ داشته باشد و این بزرگی به صنایع و کالبد بزرگ شهر حاصل

با مسئولیت مسعود ده نمکی (ایشان در آن دوران میانه خوبی با سینما و سینماگران نداشت) اما حال خود یک فیلمساز صاحب ادعا در این ساختار است! نتیجه اینکم نمی‌شود با نظر و سلیقه‌ی هر شخص و نهادی اصول و مقررات قائم‌بند یک ساختار فرهنگی و هنری را نقض و زیر سوال برد.

راه دوم و پیش روی فیلمسازان دیده شدن آثارشان در جشنواره‌های خارجی است. رویکردی خودخواسته و یا ناخواسته و اجباری برای دیده شدن، در این صورت هم در فیلمی که مستقیما و بدون مجوز و اطلاع مراجع زیربط در این جشنواره‌ها شرکت کرده و کند چه در صورت موفقیت بین المللی و چه شکست حرفه‌ای هم فیلم و فیلمسازش نشان‌دار شده و برای فعالیت بعدی و اکران عمومی در داخل دچار دردسرهای بیشتری می‌شود.

از سوی دیگر در مورد فیلم‌هایی که در سینمای خارج از کشور به نمایش در می‌آیند

و پخش کننده خارجی، پخش و اکران آنها را به عهده می‌گیرد، طبعاً وضیعت تبلیغات متفاوت خواهد بود. آنها معمولاً شبکه‌های پرمخاطب

ماهواره‌ای را برای پخش آنونسن تبلیغاتی فیلم بدون در نظر گرفتن خط مشی‌های سیاسی و وابستگی آنها را در نظر می‌گیرند؛ چرا که هدف آنها صرفاً تبلیغ برای فروش بیشتر فیلمشان در اکران است، پس نمی‌توان یک فیلم را بخاطر پخش یک آنونسن تبلیغاتی در شبکه‌ای ماهواره‌ای از تمام موفقیت‌های هنری و تجاری که در خارج از کشور کسب کرده محروم کرد.

تبلیغ مناسب و بموقع است که یک فرآورده فرهنگی را می‌تواند به مصرف‌کنندگان و مخاطبان آشنا کند؛ تا آنها بتوانند آزادانه برای مصرف آن تصمیم بگیرند. البته شاید بعضی از عدم مجوزهای اکران عمومی و پابین آوردن فیلمی مشخص صرفاً در جهت تبلیغ و تخریب‌کردن ذهن مخاطبان برای دیده شدن باشد؛ شاید هم کمبود سالن‌های سینما و فضاهای نمایشی باعث پابین آوردن فیلم می‌شود! تا دیگر فیلم‌ها فرصت اکران داشته باشند و شاید خبر پابین آوردن فیلمی بی‌گزند باشد؛ و خنتی که مخاطبان و فروش زیادی داشته به نوعی به نیت انحراف آذهنان عمومی از دیگر خبرهای مهم و بحران‌های مبتلا به جامعه بسویی دیگر باشد.

آنچه مسلم است به دلیل حفظ حریم فرهنگ و قانون‌های مصور در مورد فیلم‌هایی که همه‌گونه مجوز و پروانه ساخت و نمایش در جشنواره موفقیت کسب کرده‌اند در فروش و مخاطبان بالایی داشته‌اند؛ توقیف و یا ندادن مجوز اکران خارج از چارچوب‌های منطقی شرط انصاف و رویکردی خردگرایانه نیست. این رویکرد غلط و ناصواب و ادامه آن بدون تردید هیچ‌چیز نمره و نفعی برای پویایی سینمای ایرانی نخواهد داشت.بلکه باعث سرخوردگی‌های بسیاری در میان اهالی سینما و مخاطبان سینمای ایران خواهد شد و نهایتاً فیلم‌های توقیفی دیده خواهند شد؛ پس بیاییم از این رویکرد نادرست و نابخردانه بپرهیزیم.



ایثارگری، عالی‌ترین مرتبه یبزرگواری و برترین خوی و خصلت است.

امام علی (ع)

نخواهد شد و این در حالی است که متأسفانه سالهاست در شهرهایی مانند یزد به اشتباه به بزرگ شدن کالبد شهر و نه به روح شهر توجه شده است. وی ابراز امیدواری کرد اکنون شهر یزد با برندهایی مانند میراث جهانی، پایتخت کتاب ایران و پایتخت هنرهای نوین شناخته شده است، پیش از پیش از برند سرمایه‌های انسانی آن استفاده شود.

جوادیان زاده در پایان نیز ضمن پیشنهاد تشکیل تشکلی منسجم برای جوانان به نام دکتر علی سلطانی گردفرامری، سرمایه‌انسانهای بزرگی مانند دکتر سلطانی را عشق به خدا و خلق خدا دانست و ابراز امیدواری کرد که همگی به این سمت و سو روی آورند.

دکتر «محمود الهام‌بخش» از اعضای هیات علمی دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد نیز در مورد سیمای شاعری دکتر سلطانی به ایراد سخن پرداخت و گفت: دکتر سلطانی در اشعار خود ابایی از بکار بردن واژگان ادبیات باستانی و کلاسیک نداشت و با مضامینی نو، اشعاری می‌سود که آموزشی بودن آنها و موضوع گفتمان نیز از ویژگی‌هایش است.

وی نصاب سربایی را از ویژگی‌های اشعار استاد سلطانی ذکر کرد و گفت: استاد در اشعار خود نیز سعی در آموزش مطالب مختلف داشته است.

رونمایی از کتاب‌های رباب نامه و دیوان اشعار استاد علی سلطانی گردفرامری و نیز کتاب در سایه سار ادب که شامل مجموعه مقالاتی در مورد دکتر سلطانی است و همچنین کتاب گویا(خط بریل) دیوان اشعار دکتر سلطانی از دیگر بخش‌های این مراسم بود.

در پایان از خدمات این استاد فرهیخته با اهدای لوحیجاس، تندیس و هدایای قدرانی شد و پایان بخش مراسم نیز سخنان این استاد فرزانه بود. دکتر «علی سلطانی گردفرامری» ضمن قدردانی از برگزاری این مراسم نکوداشت، گفت: در تمام عمر تنها وظیفه خود می‌دانستم که قدرت فرهنگی و ادبی خود را با آنچه در توان دارم به جامعه عرضه کنم.

وی با ذکر خاطراتی از نوجوانی خود در مورد قرآن همچنین اظهار کرد: هدفم از بررسی فعالیت‌هایم مانند قرآن پژوهی بیان حقایق قران و فلسفه سوگندهای قرآنی و نیز شگفتی‌های آفرینش نقل شده در این مصحف شریف بوده، چرا که متقدم اگر فتردی بتواند آنها را

درک کند ولی به دیگران بیان نکند، مورد غضب خداوند متعال قرار خواهد گرفت.

واکنش خانه موسیقی به نام‌گذاری خیابان «محمدرضا شجریان»



ایستاد: مصوبه جدید شورای شهر تهران مسر و صدای زیادی به پا کرد؛ نام‌گذاری خیابانی به نام محمدرضا شجریان. حالا خانه موسیقی با وجود اینکه معتقد است این اقدام فرهنگساز بوده اما از شورای شهر تهران قدرانی می‌کند. خانه موسیقی در بیانیه خود نوشته است: «هرچند اقدام شورای شهر در نام‌گذاری گذرگاه‌ها به نام اهالی فرهنگ دیر هنگام بوده اما به هر روی پیشنهاد اخیر پروژه ذکر نام استاد محمدرضا شجریان که سال‌ها از حقوق شهروندی و فعالیت حرفه‌ای محروم بوده است جای تقدیر و تشکر دارد.»

محمدرضا شجریان (استاد آواز ایرانی) تا سال ۱۳۹۵ ریاست شورای عالی خانه موسیقی را بر عهده داشت و پس از بیماری او و عدم امکان حضور در جلسات، ریاست افتخاری این شورا را بر عهده دارد. اعضای شورای شهر تهران روز ۲۷ فروردین‌ماه در بررسی تغییر نام مابار و اماکن عمومی شهر تهران پیشنهاد دادند که خیابان «سپند» در منطقه یک به نام «شهرت...انتظامی، آ‌بلسوار فلامک جنوبی و شمالی در منطقه ۲ به نام «محمدرضا شجریان»، خیابان کوکب در منطقه ۲ به نام «غلامحسین امیرخانی» (خوشنوس)، خیابان نیلوفر در منطقه ۲ به نام «علی نصیریان»، خیابان معارف به نام «داود رشیدی» و ۲۴ متری سعادت آباد به نام «محمد علی کشاورز» نامگذاری شود.

نخل طلای افتخاری جشنواره کن برای «آلن دلون»



ایستاد: هفتاد و دومین دوره جشنواره فیلم کن، جایزه نخل طلای افتخاری اسمال خود را به پاس حضور فوق‌العاده در تاریخ سینما «آلن دلون» بازگردانندار فرانسوی اعطاء می‌کند.

به گزارش اسپه‌ا، پس از چهاردهی شاخصی چون «ژان مسوره»، «وودی آلن»، «هرناردو بتولوچی»، «جین فوندا»، «کلینت ایستوود»، «ژان بل لموندو»، «مانوئل دی اولیوبرا»، «ژان پیر لئو»، ائم بار نونو» به «آلن دلون» بازگرداننده سینمای فرانسه و جهان رسید تا جایزه نخل طلای افتخاری جشنواره کن را دریافت کند که سابقه بازی در فیلم برنده نخل طلای «ویوزینگ» ساخته «لوکینو اسکوتتی» (۱۹۶۳) را در کارنامه دارد.

«جری فرمو» دبیر با سابقه جشنواره کن در باره اعطای این جایزه گفت: «پیر لسکیور» (رئیس جشنواره) و من بسیار خوشحال هستم که «آلن دلون» پذیرفته که مورد تقدیر جشنواره کن قرار گیرد. او مدت زیادی تردید داشت و تمایلی به دریافت این جایزه نخل طلای افتخاری نداشت چرا که معتقد بود تنها برای تقدیر از کارگردانی که با آنها کار کرده باید به جشنواره کن بیاید.

«آلن دلون» که بازی در ۸۰ فیلم از جمله چندین شاهکار سینمایی را در کارنامه دارد، اولین بار در سال ۱۹۶۰ و زمانی که ۲۵ سال داشت با بازی در فیلم «ظلمت بنفش» توسط «رنه کلمنت» کارگردان فیلم کشف شد.

بسیاری از فیلم‌ها با بازی «آلن دلون» تبدیل به کلاسیک‌های سینما شدند و وی در طول دوران حرفه‌ای خود با کارگردانان نامداری چون «آنتونیونیو»، «ویسکونتی»، «ملویل» و «مدار» همکاری کرد و در کنار بازیگران بزرگی نیز چون «ژن کاین»، «عمر شریف»، «لینو وتورا»، «کلودیو کارینایا»، «مونیکا وتبی» و... مقابل دوربین رفت.

«دلون» اولین بار در سال ۱۹۶۱ با فیلم «سذت زندگی» قدم به جشنواره کن داشت و سپس با فیلم‌های «خسوف» (۱۹۶۲)، «ویوزینگ» (۱۹۶۳) و «آقای کلین» (۱۹۷۶) حضور در جشنواره کن را تجربه کرد. وی چندی پیش از ندای بازیگری خداحافظی کرد و تنها حسرت خود را که همچنان با هم‌راه‌مانده‌ها بازی در فیلمی به کارگردانی یک زن عتوان کرده است.